

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قلم

استاد ضرابی دی لغایت اسفند ۱۴۰۰

جلسه چهارم ۱۴۰۱/۱/۲۱

آیات شریفه: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸) وَتُوا لَوْ تُذْهَبُ فَيُذْهَبُونَ (۹) وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰) هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱) مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) عُنْلاً بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ (۱۳) أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)» - پس از دروغ‌زنان فرمان مبر (۸) دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند (۹) و از هر قسم خورنده فرو مایه ای فرمان مبر (۱۰) [که] عیب‌جوست و برای خبرچینی گام برمی دارد (۱۱) مانع خیر متجاوز گناه پیشه (۱۲) گستاخ [و] گذشته از آن بدنام است (۱۳) به صرف اینکه مالدار و پسر دار است (۱۴) چون آیات ما بر او خوانده شود گوید افسانه های پیشینیان است (۱۵)»

عنوان: بی‌کرانه آن سوی نور و ظلمت!

«فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ...»: این آیه شریفه در توضیح آیه قبل از خود، راه گمراهان «مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» و هدایت یافتگان را «الْمُهْتَدِينَ» به گونه‌ای بازگو می‌کند که اهل ایمان که با تذکر آیه شریفه «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» به یاد خداوند حاضر و ناظر افتاده‌اند و در دل از او خواسته‌اند که همیشه آنها را به راه مستقیم رهنمون باشد، مشاهده می‌کنند که چگونه در کریمه «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ...» و آیات بعد، راه مستقیم انسانیت (راه هدایت یافتگان) را نشان می‌دهد که از ظاهر اعمال انسان شروع شده، به درونش کشیده می‌شود و از قوه خیال و وهم و فکر و اندیشه هم عبور می‌کند و به قلب و زوایای پنهان آن می‌رسد و در سرّ و نامنتهای درون انسان از نظر پنهان می‌شود! یعنی بعضی شاخص‌ها مربوط به افعال انسان و برخی مربوط به قوای باطنی و قلب و سرّ و درون اوست. طالب هدایت باید از ناراستی و دروغ در تمام

زمینه‌های زندگی خداحافظی کند هر چند که به ضرر او باشد. امام حسن عسکری (ع) فرمود: « جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ - همه پلیدی‌ها در یک خانه نهاده شد و کلید آن دروغ است » (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۶۹) در آیه شریفه « فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ... » نشان می‌دهد انسان دروغگو در یک سیر قهقرایی و سقوطی به چه پلیدی‌ها دیگری مبتلا می‌شود (رابطه علی و معلولی بین آن وجود دارد)؛ از این رو آیات بعدی از یک سو این سیر را که منتهی به درکات جهنم می‌شود حکایت می‌کند و از سوی دیگر مسیر سلوک راه‌یافتگان و طالبان هدایت را نشان می‌دهد که چگونه با پرهیز از این رذائل پله‌های پاکی و طهارت را یکی پس از دیگری طی می‌کنند؛ قبح تکذیب خدا و رسول که یکی از مهم‌ترین موضوعات است بخاطر قصور فهم افراد نیست که صورت می‌گیرد؛ انسان بخاطر آنچه نمی‌داند و نمی‌فهمد مجازات نمی‌شود، ملامت و مجازات بخاطر چیزهایی است که می‌فهمد و می‌داند اما آن را زیر پا می‌گذارد حالا در هر موضوعی که می‌خواهد باشد؛ ولی تکذیب خدا و رسول از دروغ‌های بزرگی است که انسان را مستحق عذاب ابدی می‌کند زیرا شخص دروغگو خلاف فطرت و فهم خود حرف می‌زند. امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: « أَلْكَذِبُ مَهَانَةٌ وَ خِيَانَةٌ - دروغ، پستی و خیانت است. » (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۸۲)

اگر جفت گردد زبان با دروغ
نگیرد ز بخت سپهری فروغ
ندانی تو گفتن سخن جز دروغ
دروغ آتشی بد بود پر فروغ

« وَ دُّوْا لَوْ تَذٰهِنُ فَيَذٰهِنُوْنَ »: از درون تکذیب و دروغ است که سازشکاری و مداهنه بیرون می‌آید؛ از این رو برنامه دیگر طالب هدایت، باید پرهیز از سازشکاری باشد؛ تفاوت سازشکاری که از آن به «مُداهنه» تعبیر می‌شود با مدارا آن است که: مدارا به نرمی و مهربانی رفتار کردن بخاطر رعایت ناتوانی و کم ظرفیتی طرف است که فرد خردمند آن را به کار می‌بندد و مدارا با مردم از قوَّت نیروی عاقله است؛ «ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ» - نتیجه خردورزی مدارا کردن با مردم است» (مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۸)

«دُهن» به معنای روغن است و مداهنه در لغت به معنای روغن مالی کردن و در اصطلاح به معنای روی خوش نشان دادن یا نرمی کردن به دلیل جلب منافع

دنیوی یا بیم به خطر افتادن موقعیت اجتماعی در جایی که نباید روی خوش نشان داد و نرمی کرد.

شرك در جان تو منزل دارد دعوی شرك زدایی بس کن
امام باقر علیه السلام می فرمایند: «خداوند متعال به حضرت شعیب علیه السلام وحی نمود که من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم؛ چهل هزار نفر از بدکاران و شصت هزار نفر از خوبان. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران به خاطر بدی خود عذاب می شوند، ولی خوبان چرا؟ خداوند وحی نمود: آنان با اهل معصیت مداهنه نمودند و به خاطر خشم من، خشم نگرفتند.» (کافی/ ج ۵/ ص ۵۶)

علی علیه السلام تا زمانی که خوارج، مخالفان و منافقان، اقدامی در جهت براندازی آن حکومت انجام نداده بودند با آنها مدارا نمود. ولی آن گاه که در صدد اقدام عملی برآمدند، به شدت با آنان برخورد کرد. (بحارالانوار، ج ۳۳، صص ۴۰۶-۳۴۳)

ما زاده عشقیم و فزاینده دردییم با مدعی عاکفِ مسجد، به نیردییم
با مدعیان، در طلبش عهد نبستیم با بی خبران، سازش بیهوده نکردیم
«وَلَا تُطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ - و از هر قسم خورنده فرومایه ای فرمان مبر:» از درون تکذیب و دروغ است که سوگند دروغ هم بیرون می آید؛

جویای هدایت نباید اعتنایی به سوگندهای افراد بی پروا داشته باشد و باید خود از چنین سوگندهایی مبرا باشد؛ کسی که به خاطر کم اعتنا بودن به زشتی و ضرر دروغ، زیاد قسم به باطل می خورد؛ باید مورد بی اعتنایی قرار گیرد؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع أَنَّ الْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ تَذَرَانِ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ مِنْ أَهْلِهَا وَ تُثْقِلُ الرَّحِمَ يَعْنِي انْقِطَاعَ النَّسْلِ - در کتاب علی علیه السلام آمده است: قسم دروغ و قطع رحم موجب می شود که خانه ها از اهلس خالی شوند (کنایه از ویرانی خانه ها یا فقر و تنگدستی صاحبان آنها است؛ یعنی خانه ها خالی از رزق و برکت می شوند) و موجب سنگینی رحم می شود؛ یعنی انقطاع نسل» (وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۲۰۲-۲۰۳) و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ» هر کس سوگند یاد کند در حالی که می داند دروغ است با خدا مبارزه کرده است» (وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۲۰۳)

راستی خویش نهان کس نکرد در سخن راست زیان کس نکرد
راستی آور که شوی رستگار راستی از تو ظفر از کردگار

« هَمَّازِ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ »: یکی دیگر از ثمرات نامیمون تکذیب و دروغ عیجیوئی و سخن چینی است که به وفور انجام می‌شود؛ اهل ایمان برای باقی ماندن در صراط مستقیم نه تنها نباید هرگز خود را به رذیله عیجیوئی و سخن چینی آلوده کنند بلکه شایسته است با تنفر از عیجیویان و سخن‌چینان دوری گزینند؛ عبدالله بن سنان گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آیا شما را از شریرترینان خبر ندهم؟ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ گفتند: «چرا، ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله)»! فرمود: «آری آنان کسانی هستند که راه نمامی را می‌پویند، و دوستان را از هم جدا می‌سازند، و از پاکان و پاکیزگان عیجیوئی می‌کنند قَالَ الْمَشَّاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ وَ الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ وَ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْعَيْبِ». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶، ص ۴۸۴)

« مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٌ »: از دل تکذیب و دروغ، مناع للخیر بودن و تجاوز و گنهکاری، سربر می‌آورد. رهروان راه هدایت از این صفات باید مبرا باشند و از چنین کسانی پیروی نکنند؛ «مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ»: کسی است که خویشتن را از انجام خوبی‌ها بدور داشته، مانع دیگران از انجام آن می‌شود «مُعْتَدٍ»: کسی است که از قوانین آسمانی سرپیچی کرده، حدود مقررات را زیر پا می‌گذارد و تجاوزکار به حقوق دیگران است. «عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ» ادامه راه تکذیب و دروغ به کینه‌توزی و بدنامی می‌انجامد. از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی الْعُتْلُ الزَّانِمِ سؤال شد، فرمود: «هُوَ الشَّدِيدُ الْخُلُقِ الشَّحِيحُ الْأَكُولُ الشَّرْبُ الْوَاجِدُ لِلطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ الظُّلْمُ لِلنَّاسِ الرَّحِيبُ الْجَوْفُ - او تندخوی و بخیل است و در خوردن و آشامیدن زیاده‌روی می‌کند و انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را دارد و به مردم ستم می‌کند و شکم‌کنده است» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶، ص ۴۸۶) محمد بن مسلم گوید: از امام صادق (علیه السلام) منظور این آیه: عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ الزَّانِمِ را پرسیدم. فرمود: «الْعُتْلُ الْعَظِيمُ الْكُفْرُ وَ الزَّانِمُ الْمُسْتَهْتَرُ بِكُفْرِهِ - عُتْلٌ كَسَى است که کفرش شدید باشد و زَنِيمٌ کسی است که در کفر خویش بی‌پروا باشد» (معانی الأخبار، ص ۱۴۹) این درحالی است که اهل ایمان با تواضع بر زمین راه می‌روند و چون جهالت پیشگان، خطابشان کنند سخن ملایم می‌گویند. (فرقان/۶۳)

« اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِيْنَ »: تکذیب و دروغ در صاحبش توهمی ایجاد می‌کند که قادر به تشخیص تکیه‌گاه‌های حقیقی از پوشالی نیست و سرمستی‌هایش بخاطر این است صاحب اموال و فرزندان است؛ امام علی(ع) در خطبه یکصد و سوم نهج البلاغه می‌فرماید: «مبغوض ترین افراد نزد خدا بنده ای است که خدا او را به خودش واگذاشته، از راه راست منحرف گشته و بدون راهنما گام برمی‌دارد، اگر به کشتزار دنیا خوانده شود (اجابت می‌کند) و برای آن می‌کوشد و اگر به کشتزار آخرت و نعمتهای گوناگونش دعوت شود سستی می‌ورزد گویا آنچه انجام می‌دهد بر او واجب است و آنچه از آن شانه خالی می‌کند از دوش او برداشته شده است.»

کسی را گر توانی دل به دست آر	به دست آوردن دنیا هنر نیست
پل و برکه و خوان و مهمانسرای	نمرد آنکه ماند پس از وی بجای

« إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ »: تکذیب و دروغ هم اول و هم آخر کار گمراهان است؛ آخر و سرانجام کار کسانی که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد). در مقابل احوال مومنان است که نتیجه راستی و درستی راهشان به ایمانی فزاینده می‌رسند « وَإِذَا تُلِّیَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِیْمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ یَتَوَكَّلُونَ » - (انفال ۲) « خوب است که مومنان همیشه از احوال خود بازرسی کنند و به مصداق « اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ... » - (بقره/۲۵۷) ببینند که آیا به سوی نور یقین و علم نافع پیش رفته‌اند یا در ظلمت و جهل سرگردانند و آیا احوال کسی را دارند که از جهل و ضلالت و مرده بودن به روشنایی علم و دیانت و حیات در حرکتند؟! و این را با همه وجودشان احساس می‌کنند یا آنچه دریافته‌اند، توهمی بیش نیست؟

علم دین کم جو ز اوراق و کتاب	گر زدل جویی بود عین صواب
گر شوی بیدار از این خواب گران	صد نشان بینی زیار بی نشان

وصلی الله علی محمد و آل محمد